

**عجله نکند!**

با تعویق یک‌ساله المپیک فدراسیون والیبال به این نتیجه رسیده که برای انتخاب سرمربی تیم ملی عجله نکند و با توفیق اجباری پیش آمده فرصت کافی برای انتخاب یک گزینه خوب خواهد داشت. به ویژه اینکه هر چه این انتخاب دیرتر صورت بگیرد، هزینه کمتری روی دست فدراسیون خواهد گذاشت که با توجه به قیمت افسارگسیخته دلار رقم قابل توجهی می‌شود. فراموش نکنید با لغو تمامی بازی‌های ملی در سال ۲۰۲۰، تیم ملی والیبال عملاً هیچ تورنمنت و یا مسابقه‌ای در پیش نخواهد داشت و همین سبب شده تا فدراسیون آهسته‌تر به سمت قرارداد با گزینه مطلوب خود پیش برود تا هزینه کمتری متحمل شود.

این استراتژی فدراسیون والیبال است که به نظر می‌رسد در سکوت خبری کامل و بدون عجله، با آرامشی حوصله‌سر بر در حال توافق با گزینه خود است تا در نهایت در ماه‌های پایانی سال او را در ایران ببینیم.

به نظر می‌رسد که فعلاً به این زودی نباید منتظر رونمایی از سرمربی جدید والیبال باشیم و برای تماشای یک چهره بزرگ و نامدار روی نیمکت تیم ملی والیبال باید باز هم صبر کنیم؛ شاید تا پایان سال!

**۱- ولادیمیر رومانوویچ آلکنو، نزار آهین**

ولادیمیر آلکنو مربیگری را در سال ۱۹۹۹ از همان باشگاهی که در آن توپ می‌زد، یعنی تیم تولوز در لیگ فرانسه آغاز کرد. ابتدا به عنوان مربی - بازیکن و از سال بعد، به عنوان سرمربی. قهرمانی در جام حذفی فرانسه اولین دستاورد او بود و سال بعد هم دومین دستاورد خود را با قهرمانی در پرو آ در سال ۲۰۰۴ تکمیل نمود و پس از آن به خانه بازگشت.

۴ سالی گذشت تا بالاخره جو سنگین مربیگری در روسیه فروکش کرد و او توانست با توجه به نتایج خوبی که در تیم فرانسوی گرفته، راهی به تیم دینامو و لیگ کشورش بیاید. او موفقیت‌هایش را با دینامو هم ادامه داد و طوری نظرها را به خود جلب کرد که از سال ۲۰۰۷ همزمان با هدایت تیم باشگاهی کازان، به سرمربیگری روسیه نیز

برگزیده شد. او در ۳ سال حضور خود در مسکو موفق به کسب قهرمانی سوپرلیگ والیبال روسیه ۲۰۰۶ و قهرمانی جام حذفی روسیه در سال ۲۰۰۷ شد و سپس به تیم ملی رفت. او در این زمان ۴۱ سال داشت و عنوان جوان‌ترین مربی تاریخ تیم ملی سرزمینش را به خود اختصاص داد. آلکنو همچنان که از نظر روس‌ها جوان‌ترین مربی‌شان بود، در دوران فعالیتش به عنوان بازیکن، توانسته بود ملی‌پوش شود و در حقیقت سابقه پوشیدن پیراهن تیم ملی کشورش را نداشت که این سرمربی شدن یک غیر ملی‌پوش نیز برای روس‌ها عجیب و غریب بود! روسیه با آلکنو در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ مدال‌های نقره و برنز لیگ جهانی، نقره اروپا، نقره جام جهانی و برنز المپیک پکن را به سینه زد و سپس هدایتش را برای دو سال به دانیله بانیولی موفق‌ترین مربی تاریخ باشگاهی ایتالیا و سرمربی پیشین متین ورامین سپرد. بانیولی در روسیه موفق بود و مدال آور اما باز هم طی فرآیندی که تحت تأثیر بالا گرفتن اختلاف‌های داخلی در والیبال روسیه شکل گرفت، روس‌ها به سراغ آلکنو رفتند و او هم نه گفت تا دوباره روی نیمکت روس‌ها بنشیند.

سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ اوج کار این مربی در روسیه بود که طلای لیگ جهانی، جام جهانی و المپیک لندن را تصاحب

کرد و نامش در تاریخ والیبال روسیه جاودانه شد و به او لقب مرد آهنین دادند. پس از ۲ سال و نیم که اندری ورونکوف، سرمربیگری تزارها را برعهده داشت (واگرچه روسیه با او در سال ۲۰۱۳ قهرمان لیگ جهانی و اروپا شد) به دلیل نتایج ضعیف سال ۲۰۱۴ و لیگ جهانی ۲۰۱۵ استعفا داده شد! دوباره ولادیمیر آلکنو به تیم ملی روسیه بازگشت تا بلکه ناجی آنها در ریو ۲۰۱۶ باشد اما نتیجه نگرفت، برکنار شد و دوباره به زینت کازان بازگشت تا جام‌های داخلی را درو کند.

**۲- برناردو رزنده؛ گلدمن عصبانی!**

برناردو رزنده مربی افسانه‌ای تیم ملی برزیل موفق‌ترین مربی تاریخ والیبال محسوب می‌شود که مهم‌ترین ویژگی او سریال حضورش در فینال‌های مختلف بوده. در حقیقت حضور رزنده روی نیمکت تضمین‌کننده حضور در فینال است. رزنده از ۱۶ دوره اخیر لیگ جهانی، ۱۳ فینال را تجربه کرده و در ۴ دوره اخیر المپیک، در هر ۴ فینال حضور داشته که ۲ طلا و ۲ نقره حاصل این ۴ مسابقه تکرار نشدنی بوده. رزنده در مدت ۱۶ ساله مربیگری خود به بیش از ۳۰ عنوان ارزشمند جهانی دست یافته که در نوع خود یک رکورد محسوب می‌شود.



رزنده در سال ۱۹۸۸ کار مربیگری را با دستیاری در بازی‌های المپیک سئول آغاز کرد و بعد از مربیگری در ایتالیا و باشگاه‌های پروجا و مودنا به برزیل آمد و سرمربی تیم زنان شد و تا سال ۲۰۰۰ ادامه داد که حاصل آن ۳ قهرمانی جایزه بزرگ جهان، ۳ قهرمانی آمریکای جنوبی، یک قهرمانی بازی‌های پان آمریکن و ۲ قهرمانی جام مسترز مونترو بود. برناردو پس از این موفقیت‌ها در سال ۲۰۰۱ سرمربی تیم ملی والیبال مردان برزیل شد و از همان سال نخست توانست مدیریت و قدرت مربیگری خود را به رخ بکشد و برزیل را قهرمان آمریکای جنوبی، لیگ جهانی و بازی‌های پان آمریکن کرده و در سال بعد در قهرمانی جهان ۲۰۰۲ بعد از چند سال برزیل را دوباره قهرمان جهان کند.

در سال ۲۰۰۳ برزیل رزنده قهرمانی لیگ جهانی، آمریکای جنوبی و جام جهانی را کسب کرد، در ۲۰۰۴ طلای المپیک پکن را گرفت و در ۲۰۰۵ چهار طلای دیگر شامل لیگ جهانی، قهرمانی آمریکای جنوبی و جام بزرگ قهرمانان جهان در ژاپن را به سینه زد.

در ۲۰۰۶ برای پنجمین بار قهرمانی لیگ جهانی را به دست آورد و در ۲۰۰۷ طلای جام جهانی، بازی‌های پان آمریکن، آمریکای جنوبی و لیگ جهانی را کسب کرد و به او لقب گلدن من را دادند. در ۲۰۰۸ به جز مدال نقره المپیک آتن نتوانست هیچ عنوان معتبری را برای برزیل به ارمغان آورد اما بعد از این تجربه تلخ برزیل را جوان‌تر کرد و در ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ توانست ۲ دوره در قهرمانی آمریکای جنوبی، جام بزرگ قهرمانان جهان و لیگ جهانی، قهرمان شود. در ۲۰۱۱ طلای بازی‌های پان آمریکن و ششمین قهرمانی متوالی آمریکای جنوبی، پیش درآمدی برای طلای المپیک ۲۰۱۲ لندن بود. در ۲۰۱۴ دو نایب قهرمانی لیگ جهانی و قهرمانی جهان حاصل کار او بود و در نهایت با طلای المپیک ریو ۲۰۱۶ به ۱۶ سال حضور پرافتخارش در تیم ملی برزیل پایان داد.

رزنده به شدت یک مربی برونگراست با رفتار و عکس‌العمل‌های منحصر به فرد و واکنش‌های احساسی در کنار زمین یک چهره خاص محسوب می‌شود که تقریباً همه تیم‌های دنیا خواهان او هستند.

